

متن پرسش

سلام: دانشجویی هستم.... ساله اواخر دوران تحصیلم راسپری میکنم. بسیار نگران آینده میباشم. مخصوصا برای انتخاب همسر و اینکه با موقعیتی که من و خانواده ام داریم. آیا فردی با ایده الهای من پیدا میشود یانه؟ گاهی شده درمیان هم دانشگاهی هام کسی را که با فکر من و ایده های من میسازد. را انتخاب کرده. خیلی دلم میخواهد با او به تفاهم برسم. البته من هیچ وقت در دوران دانشجویی ام به دنبال موقعیتهای دانشگاهی نبوده ام. ولی وقتی میبینم این فرد است که مثل من زندگی را آرمانی میبیند. ایمان ظاهری نداشته و برای اعتقاداتش و رساندن پیام انقلاب و اسلام تلاش میکند. خیلی دلبسته او میشوم و از خدا میخواهم که او را نصیب من کند. البته گاهی هم به خودم این تلنگر را میزنم که خدا خودش بهتر میداند که چه کسی را نصیب و قسمت کند. و خوب نیست که درگفتن و خواستن این فرد از خدا اصرار بورزی. قضا و قدر خدا چیز دیگری باشد. شاید. ولی میترسم که اگر پا در شهرم بگذارم با ملاکها و معیارهایی که دارم. آدم مورد پسندم پیدا نشود و مجبور بشوم برای فرار از تنهایی وانگ ترشیده بودن تن به ازدواجی ناخواسته با کسی بدهم که ایمان را در رکعت نماز و کمی هم عزاداری خلاصه کند. برای اعتقادش اهمیت قائل نشود. خلاصه این درست است که آدمی همسر ایده آلش را تصور کرده یا اگر کسی را در اندازه ملاکها و معیارهایش دید. آن را از خدا بخواهد. شایان ذکر است که بنده به خاطر موقعیتم و محیطی که در آن زندگی میکنم مجبورم سریعتر زندگی بکنم. راه زودتر ازدواج کردن و رهایی از گناه و هوس چیست؟ لطفا مرا راهنمایی کنید.

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیک السلام: در ازدواج سخت گیری نکنید و آرمانی فکر نکنید، همین که همسری داشته باشید که مانع زندگی دینی و انقلابی شما نشود برای شما کافی است ولی با توجه به این که مرد باید از زن خواستگاری کند، ذهن خود را متوجه فرد خاصی نکنید که این برای روح و روان شما بسیار ضرر دارد در عین این که بی جا کسی را رد نمی کنید بگذارید به عهدهی خدا. موفق باشید